فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره سوم (تابستان۱۳۹۹)

بررسی و تبیین مراحل تربیت و تعالی کودک در اسلام و علوم تربیتی

(تاریخ ارسال ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۵/۲۰)

فاطمه منشی زاده

چکیده

طبق روایات اسلامی کودک در ۷ سال اول امیر و سید، در ۷ سال دوم مطیع و فرمانبردار و در ۷ سال سوم وزیر و مشاور است. امروزه ثابت شده که قبل از شروع هر فعالیت فرد باید قبلاً خود را برای آن آماده کرده باشد تا در اجرای آن موفقیت بهتری نصیبش گردد. والدین باید به اثرات سوء تبعیض از لحاظ روانی، عاطفی، اجتماعی و غیره کاملاً آگاه بوده و از اعمال تبعیض اجتناب ورزند. افراد در زندگی خود از دورانی به دوران دیگر می رسند: نوزاد به کودکی، کودک به نوجوانی، نوجوان به بلوغ و کمال جسمی پا می گذارد. هر دوره ای دارای ویژگی هایی می باشد، که برنامه های تربیت در هر دوره ای با توجه به نیازها و مقدمات آن دوره مشخص می شود. مان گونه که در تعالیم دینی ما گفته شده بستر تربیت، محبت و عاطفه است و خداوند در قرآن برای ما چند نکته را تعریف کرده که ما متأسفانه دو نکته آن را بیشتر نمی‌شناسیم. که این دو نکته این است که؛ مربی تربیت را ارائه می‌کند ودیگری اینکه متربی هم تربیت را یاد می‌گیرد یعنی کل تربیت آموزش دادن و یاد گرفتن است. در صورتی که قرآن کریم می‌فرماید: تربیت سه مرحله دارد و مرحله‌ایی قبل از آموزش دادن و یادگرفتن نیز وجود دارد که ماجرای حضرت موسی(ع) و حضرت خضر نبی را برای آن مثال زده است. نهایتاً باید اذعان داشت شناخت عوامل و راه‌های مؤثر تربیتی از مهم‌ترین مسائل تعلیم و تربیت است، زیرا با شناسایی مراحل و دوره‌های آن با توجّه به سن کودک، و بکارگیری آن، والدین و مربیان در تربیت کودکان موفق‌تر خواهند بود. در این مقاله قصد داریم به بررسی و تبیین مراحل تربیت و تعالی کودک در اسلام و همچنین تربیت کودکان با توجه به دستورات اسلام و علوم تربیتی بپردازیم.

واژگان کلیدی: کودک، تادیب و تربیت، تعالی و رشد، پیشرفت، والدین

بخش اول: سیر مراحل رشد قبل از تولد انسان

زندگی یک موجود زنده در لحظه لقاح آغاز می شود، لحظه ای که اسپرم و اووم باهم یکی می شوند. پس ازآن که تقسیم سلولی عمدتاً تکمیل گردید، توده جنینی اولیه وارد مرحله بعد می شود و به عنوان جنین شناخته می شود، رشد ساختارها و دستگاه های اولیه بدن که در مرحله جنینی اولیه تشکیل شده بودند، ادامه می یابد. علمای جنین شناسی معتقدند، معمولازندگی پیش ازتولد، ازسه دوره می گذرد:

۱-دوره اول: که دو هفته اول باروری را شامل می شود.دراین دوره، سلول بارورشده، یک موجود آزاد است که دربدن ماوجوددارد. ولی پیوستگی وتعلق به رحم مادر ندارد وفقط تا آن جا که معلوم است موادی ازرحم مادردریافت می دارد .

۲-دوره علقه یادوره جنینی: دراواخرهفته دوم که تقریبا سلول بارورشده، خود را به رحم می چسباند، یک نوع علقه وپیوستگی میان سلول ورحم ایجادمیشود.بدین جهت خداوند نطفه رادراین وقت علقه نامیده است.دوره جنینی بحرانی ترین دوره قبل ازتولدبه شمار می رود.اهمیت این دوره واین که آن رابحرانی می دانند نه تنها از آن جهت است که ساختمان اصلی بدن و دستگاه های لازم برای حفاظت و تغذیه تازمان تولد شکل پذیرمی شوند، بلکه ممکن است برخی اتفاقات دراین دوره به وقوع بپیونددکه درزندگی جنین موثرواقع شود. یکی ازاین اتفاقات سقط شدن جنین ودیگری به وجودآمدن نقایصی درساختمان بدن است.

۳-دوره سوم یاآخرین دوره زندگی پیش ازتولد:که به بیان قرآن ازدوره مضغه تاهنگام تولد ادامه دارد .

این دوره رادوره فتوس می نامند ومدت آن سی هفته آخر، پیش ازتولداست.رشددراین دوره بیش ازاندازه است وبه عبارت دیگررشد به طورمطلق صورت می گیرد، زیرادراین دوره وزن واندازه کودک به مراتب زیادترازدوره قبلی است.»[1]

۱احدی ،بنی جمال ،حسن ،شکوه سادات ،روانشناسی رشد ،ص ۱۷۷.

حال به بررسی مراحل وچگونگی خلقت انسان ازدیدگاه قرآن کریم می پردازیم:

مراحل رشد از نظر اسلام در قبل از تولد بصورت صریح در قرآن کریم آمده است. خداوند می‌فرماید:

«یا ایهاالناس اِنْ کنتم فی ریبٍ مِن البَعْثِ فانّا خلقناکُمْ مِن تراب ثم مِن نُطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ علقهٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَهٍ مُخَلَّقَه و غَیرِ مُخَلَّقهٍ لنبیّن لکم و....»[1]

ترجمه: ای مردم اگر در رستاخیز شک دارید، ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده]که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل، هدف این است که ما برای شما روشن سازیم [که بر هر چیز قادریم] و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم مادران قرار می‌دهیم. بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌فرستیم. سپس هدف این است که به حد بلوغ و رشد برسید.

خداوند متعال بصورت روشن در این آیه مراحل رشد قبل از تولد را پنج مرحله می‌داند که پس از هر مرحله‌ای مرحله دیگر شروع می‌شود.

۱-علقه خداونددرآیات مختلف ازقرآن کریم، به مراحل خلقت انسان اشاره کرده است، یکی ازاین مراحل [علق] است.

واژه[علق]شش بار[علق۱و۲، حج/۵، مومنون/۱۴، غافر/۶۷، قیامت/۳۸] ودرپنج آیه به صورت های مختلف به کار رفته است وهمچنین سوره ای درقرآن به نام [علق] نازل شده است [اقراباسم ربک الذی خلق، خلق الانسان من علق: بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان راازعلق آفرید.

«علق» درلغت: «واژه [علق] جمع «علقه» دراصل به معنای [چیزی که به چیزی بالاترآویزان شود] آمده است ومواردااستعمال آن درخون بسته، زالو، خون منعقد که

۱قرآن کریم ،سوره حج، آیه ۵.

دراثررطوبت به هرچیزی می چسبد، کرم سیاه که به عضو آدم می چسبدوخون رامی مکدو.....می باشد .»[۱] پس می توان گفت :درمواردی که علق استعمال می شود، یکی چسبندگی ودیگری آویزان بودن، لحاظ شده است.مانندزالو، خون بسته وکرم که به عضوبدن می چسبدوآویزان می شود.

علق ازنگاه علم: «علق همان خون بسته ای است که ازترکیب اسپرم مرد بااوول زن حاصل می شودوسپس داخل رحم زن می شود.پس ازپیوستن نطفه مردبه تخمک زن، تکثیر سلولی حاصل می شود وبه صورت یک توده سلولی درمی آیدکه به شکل توت است که به آن [مارولا] گویندودررحم زن نفوذ کرده وبه آن معلق [آویزان ونه کاملاچسبنده به رحم] می شود. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای [علق] بیان فرموده است.

درنتیجه می توان گفت باتوجه به دیدگاه دانشمندان ومفسران واهل لغت [علق] به معنای خون بسته آویزان به رحم است.به ویژه آنکه این مرحله ازخلقت انسان درعلم جنین شناسی جدید به عنوان واسطه ای بین نطفه ومضغه[گوشت شدن] محسوب می شود.»[۲]

«باتوجه به عدم پیشرفت علم پزشکی در۱۴قرن قبل، می توان مسئله [علق] رایکی ازشگفتی های علمی قرآن نامیدکه بعداز۱۴قرن کشف شده است .»[۳]

مضغه: قران کریم درمراحل خلقت انسان پس ازنطفه وعلقه مرحله ای دیگربه نام «مضغه» رامطرح می سازدکه دردوآیه سوره مومنون آیه۱۴وسوره حج آیه۵سه بارازآن سخن گفته است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ثم من علقه ثم من مضغه مخلقه وغیرمخلقه لبنین لکم»[۱] پس ازعلقه آنگاه ازمضغه دارای خلقت کامل وخلقت ناقص تا قدرت خودرا به شما روشن گردانیم .

۱مصطفوی، حسن،۱۳۷۱، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، تهران فرهنگ وارشاد ، ج۱۱،ص۱۲۸.
۲رضایی اصفهانی ،۱۳۸۰ محمد علی، پژوهشی دراعجاز قرآن،رشت ، مبین ، جلد۲ ،صفحه ۴۸۷تا۴۸۱.
۳همان.

«واژه [مضغه] درلغت به معنای [غذای جویده شده وگوشت جویده شده] آمده است وبه عبارت دیگر قطعه ای ازگوشت که که شبیه گوشت جویده شده است.»[۲]

«واژه [مخلقه] تعبیری است که برای مبالغه درخلق به کار می رودوخلق به معنای ایجادچیزی برکیفیت مخصوص است پس تعبیربه مخلقه درموردمضغه اشاره به این است که حقیقت خلق وتحقق آن، یعنی ایجادبرکیفیت مخصوص وتعیین خصوصیات ومقدمات دراین مرتبه است. اماغیرمخلقه به این معناست که تعیین برخی خصوصیات[تمامایابعضا] دراین مرتبه[مضغه] نیست.»[۳]

استخوان وگوشت: قرآن بعدازبیان مرحله (مضغه)به مرحله دیگری ازخلقت اشاره کرده است.آیه ۱۴ازسوره مومنون: (فخلقناالمضغه عظامافکونااالعظام لحما)وآنگاه مضغه رااستخوان هایی راباگوشتی پوشانیدیم.آیه فوق بیانگر آن است که ابتدا استخوان تشکیل شده وبعدازآن گوشت روی آن راگرفته است.

آفرینش روح وجنبش جنین: «ازآیات قرآن استفاده می شودکه پس ازمرحله تسویه وتنظیم وتعادل اعضای بدن انسان دررحم مادر، مرحله دیگری رابانام[نفخ روح، دمیدن روح]بیان می کند.....خداوندتبارک وتعالی می فرماید«ثم سوال ونفخ فیه من روحه» آنگاه اورادرست اندام کرده و از روح خویش دراو دمید.»[۴]

همچنین می فرماید «فکسونااالعظام لحماثم انشاناه خلقااخر»[۵]

بعداستخوان هارابه گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را] درآفرینشی دیگرپدیدآوردیم .

---

۱ قرآن کریم ، سوره حج، آیه ۵

۲مصطفوی، حسن ،التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،جلد۱۱،صفحه ۱۲۸.

۳همان ،جلد۳،صفحه۱۱۲ونیزجلد۱۱،صفحه۱۲۶.

۴قرآن کریم ،سوره سجده،آیه ۹.

۵همان ،سوره مومنون ،ایه ۱۴.

ازآیات فوق برمی آید که «درآدمی جزبدن، چیز بسیار شریف نیز وجوددارد که مخلوق خداست وتا آن چیز شریف درانسان به وجود نیاید، آدمی انسان نمی گردد.»[۱]

«ودرحضرت آدم به وجودآمد، شانی یافت که فرشتگان دربرابر اوخضوع کردندوعبارت [انشاناه خلقاآخر] نشان ازخلقت می دهد که فعل وانفعالات طبیعی ومادی درآن نیست وانشاءبه معنی ایجادکردن چیزی توام باتربیت آن است این تعبیر نشان می دهدکه مرحله اخیر با مراحل قبل کاملامتفاوت است.»[۲]

بنابراین نفخ روح چه معنادارد؟

«درپاسخ بایدگفت:زمانی که نطفه منعقد میشود، تنها دارای یک نوع [حیات نباتی، گیاهی] است.یعنی، فقط تغذیه ورشدونمودارد ولی ازحس وحرکت که نشانه [حیات حیوانی] است و همچنین قوه ادراکات که نشانه حیات انسانی است ودرآن خبری نیست [باتکامل نطفه دررحم به مرحله ای می رسدکه شروع به حرکت میکندوتدریجا قوای دیگرانسانی در آن زنده می شود] این همان مرحله ای است که قرآن ازآن تعبیربه نفخ روح می کند.»[۳]

بخش دوم: بررسی و تحلیل رشد کودک از نظر دانشمندان علوم تربیتی

«رشد عبارت است از تغییرات منظم کمی و کیفی که از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ رخ می‌دهد، این تغییرات رشدی بطور منظم و بر اساس الگوهای معین، در ابعاد مختلف جسمی و روانی [مانند شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و...] صورت می‌گیرد. تغییرات کمی به تغییراتی گفته می‌شود که در اندازه‌ها، مقادیر و تعداد روی می‌دهند مانند قد و وزن. اما تغییرات کیفی تغییراتی هستند که در فرایندها، کارکردها، ساختارها و سازمان‌ها اتفاق

۱مصباح یزدی ،معارف قرآن کریم ،دوجلدی ، قم ، راه حق ، ص ۳۵۹-۳۴۹.

۲مکارم شیرازی ،ناصر ،۱۳۷۴، تفسیر نمونه ، تهران ، دارالکتاب اسلامیه ، ج۱۴،ص۲۱۱.

۳مکارم شیرازی، ناصر ،پیام قرآنی ، ۱۳۷۷، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، صفحه۷۸.

می‌افتند، این تغییرات را نمی‌توان اندازه گرفت ولی تفاوت در آن‌ها را می‌توان فهمید مانند تغییرات هوشی و عاطفی.»[۱]

بند اول: مراحل رشد قبل از تولد

اگر به نوزادان بخش زایمان یکی از بیمارستانها نظر بیافکنیم انواع مختلف کودکان را خواهیم دید . این تنوع فقط از لحاظ وضع ظاهری یا جسمانی نیست، بلکه در رفتار انها نیز مشاهده می شود . اگر یکی ازآنها در خواب است، دیگری در حال جیغ و فریاد کشیدن است و احتمالاً کودک دیگری با نگاه های دقیق به اطراف نگاه می کند. چه عواملی موجب گوناگونی ویژگی های جسمی ورفتاری دراین کودکان می شود؟ پاسخ به این سوال در عوامل قبل از تولد یا حتی قبل از باروری نهفته است . تاثیر متقابل بین انواع مختلف عوامل وراثتی یا عوامل محیطی، این دگرگونی ها را به وجود می آورد. این تآثیرات متقابل وراثتی و محیطی در طول حیات فرد از لحظه باروری تخم تا هنگام مرگ ادامه دارد. عوامل مختلفی که در طول دوران رشد قبل از تولد، بر موجود زنده تآثیر می گذارد، رشد او را بسیار آسیب پذیر می کند. بعضی از این عوامل وراثتی است و بعضی دیگر به وضع جسمانی مادر در این دوران و احتمالاً شرایط هیجانی و عاطفی وی بستگی دارد.

«رشد قبل از تولد تقریباً ۱۰ ماه قمری یا ۲۸۰ روز طول می کشد که در این زمان ازآخرین تاریخ عادت ماهانه محاسبه می شود . چون لحظه باروری هنوز به طور دقیق مشخص نشده و امکان دارد تا دو هفته بعد از عادت ماهانه انجام گردد، رشد قبلا از تولد از مرحله باروری تا زمان تولد ۲۶۶روز طول میکشد.

این زمان به سه مرحله جدا تقسیم شده است که عبارتند از:

۱ . مرحله زیگوت ۲ . مرحله رویانی ۳ . مرحله جنینی

---

۱ ناعمی، علی محمد ،۱۳۸۷ ،روانشناسی نوجوانی و جوانی،سبزوار ، دانشگاه آزاد اسلامی ، ص ۱۹.

بند دوم: مرحله زیگوت (از باروری تا سه هفته)

این مرحله تقریباً چهارده روز، یعنی از زمان بارور شدن تخم تا استقرار یافتن در دیواره رحم طول می کشد. تخم بارور یا زیگوت در مسیر حرکت خود به طرف رحم ابتدا به دو، چهار، هشت و سپس به یک توده سلولی بنام مورولا تبدیل می شود . این توده سلولی هنگامی که وارد رحم گردید و به دیواره آن متصل شد، بلاستوسیتز می نامند.مرحله باروری از شروع رسیدن تخمک تا استقرار در رحم عبارت است از: تشکیل زیگوت، تشکیل مورولا که دو تا سه روز طول می کشد ؛ تشکیل بلاستوسیتها که چهار تا پنج روز است و اتصال بلاستوسیت ها به دیواره رحم که پنج تا شش روز است. از ویژگی های این مرحله تقسیم سریع سلولی و ازدیاد پیچیدگی موجود زنده و استقرار یافتن زیگوت در دیواره رحم است . در این هنگام تخمک بارور شده و به اندازه یک سر سنجاق است و تشکیل یک توده سلولی می دهدکه حفره ای در آن وجود دارد . این توده سلولی که دارای لایه های داخلی و خارجی است که لایه خا رجی ان را تروفوبلاست می نامند.»[1] در قسمت های خارجی ترفوبلاست ریشه های پیچک مانندی شروع به رشد می کند و ظرف چند روز این ریشه ها به دیواره رحم که خود را آماده پذیرش تخم کرده، متصل می شود . بدین ترتیب، از این مرحله تا زمان تولد، ارتباط مادر و فرزند برای تغذیه فرزند فراهم می شود . با برقراری این ارتباط، مرحله زیگوت به پایان می رسد و مرحله رویانی اغاز می شود .

بند سوم: مرحله رویانی از ۲ تا ۸ هفته

«بیشتر اعضای مهم و سیستم فیزیولوژیکی بدن در این مرحله مشخص می شود. از ابتدای باروری تا انتهای این مرحله، تخم بارور شده، دو میلیون درصد اندازه اولیه خود رشد می کند . رشد در مرحله رویانی سریع است و سلول های ترفوبلاست به سه قسمت جداگانه به شرح زیر تقسیم می شود :

---

۱ سیف، سوسن ،روانشناسی رشد ۱،۱۳۷۷، تهران سمت ، ص ۱۸۲

الف) لایه اکتودرم : از این لایه، قسمت بیرونی، ناخنها، بخشی از دندانها، غده پوستی و سیستم عصبی به وجود می اید .

ب) لایه مزودرم : از این لایه قسمتهای میانی پوست، ماهیچه ها، استخوانبندی، دستگاه گردش خون و اعضای دفع مواد زاید به وجود می آید .

ج) لایه اندودرم : از این لایه که یک لایه درونی است، دستگاه کامل گوارش، لوله های شیپور استاش، ریه ها، بورنشها، کبد، لوزالمعده، غدد بزاقی، غده تیروئید و تیموس به وجود می اید .

هنگامی که اعضای بدن در اثر رشد توده سلول های داخلی مشخص شد، لایه های خارجی سلول ها، دو غشای جنینی به وجود می آورد که آنها را کوریون و آمنیون می نامند . این دوغشا با غشاییکه از دیواره رحم مادر به وجود می آید تشکیل کیسه می دهد که جنین در آن نگهداری می شود . مایه امینیوتیک که در این کیسه جمع می شود، جنین را در برابر ضربه های احتمالی که به مادر وارد می گردد، حفظ می کند .

همزمان با به وجود امدن این کیسه – سایر کیسه ها – که مهمترین آنها بند جفت است – رشد می کند . رشد جنین تا قسمت بند دیواره رحم مادر (محلی که رحم به کریون متصل می شود) ادامه می یابد، این ناحیه را جفت می نامند .

دو سرخرگ از میان بند ناف که در واقع رشته حیاتی جنین است، خون را به جنین می رساند و از انجا یک ورید، خون جنین را به جفت برمی گرداند. دو سیستم جریان خون مادر و جنین، به طور جداگانه عمل می کند و جریان خون هر دو به جفت وارد می شود، ولی سلول های جفت مانع ارتباط مستقیم آنها با یکدیگر می گردد. سلول های دیواره جفت غشای ظریفی دارد که اجازه عبور سلول های خونی را نمی دهد و فقط مواد مولکولی ریز، نمک و گازها را از خود عبور می دهد. در مورد مواد غذایی قابل عبور از جفت، اطلاعاتی دقیقی در دست نیست. موادی که تا کنون عبور آنها از دیواره جفت مشخص شده است عبارت است از برخی قندها، چربیها، پروتئین ها و مواد زائد مانند اکسید کربن که از جنین

دفع می گردد. نکته قابل توجه اینکه بعضی از میکروبها، داروها و ویتامین ها نیز میتوانند از طریق خون مادر وارد جنین شوند و موجب ابتلای جنین گردند و در رشد آن تآثیر گذارند. بین سلسله اعصاب مادر و جنین ارتباط مستقیم وجود ندارد ولی امکان دارد حالات هیجانی مادر در فعالیت های جسمی جنین تآثیر گذارد. هنگامی که مادر دچار هیجان می گردد، عکس العمل های جسمی مختلفی در او پدیدار می شود و هورمونهایی از قبیل آدرنالین وارد جریان خون او میشود که احتمالآ از طریق جفت در فرایند های جسمی جنین تآثیر میگذارد .

بیشتر این اطلاعات از بررسی جنینهایی به دست آمده که به دلایل پزشکی واز طریق جراحی از رحم مادر خارج شده اند. بعضی از این اطلاعات به شرح زیر است :

از روز هجدهم، محور طولی بدن، طرف چپ و راست و سر و دم قابل تشخیص است.

در پایان هفته سوم، قلب ابتدایی مشخص شده، ضربان آن شروع می شود.

هفته چهارم: طول جنین در حدود پنج میلیمتراست و ناحیه دهان، دستگاه گوارش و کبد شروع به رشد می کند.

هفته هشتم و نهم : در طول هفته هشتم تا نهم تغییرات قابل ملاحظه ای به وجود می آید اکنون طول جنین تقریبآ دو و نیم سانتی متر است. صورت، دهان، چشم ها و گوش ها نسبتآ مشخص است. بازو ها و پاها، دستها و حتی جوانه های انگشتان ظاهر شده است و اعضای تناسلی، شروع به شکل گرفتن کرده است. رشد عضلات و غضروفها شروع شده است، ولی فعالیت های حرکتی و عصبی وجود ندارد. اعضای داخلی مانند روده ها، کبد، لوزالمعده ریه ها، کلیه ها، شکل گرفته، تا اندازه ای فعال می گردند؛ برای مثال کبد شروع به ساختن سلول قرمز خون می کند.یکی از ویژگی های دوره رویانی رشد سریع دستگاه عصبی است . در طول این دوره اندازه سر نسبت به سایر اعضای بدن بزرگتر است . نکته قابل ذکر در این دوره، این است که ترکیبات شیمیایی و فعالیت های بدنی مانند افتادن از

پلکان یا مصرف بیش از اندازه دارو ها احتمالاً آسیبهای دائمی دستگاه عصبی را به دنبال دارد.»[۱]

بند چهارم: مرحله جنینی (از هفته هشتم تا تولد)

«با پیدایش سلولهای استخوانی در اوخر هفته هشتم، مرحله جنینی آغاز میشود . این مرحله از ابتدای ماه سوم تا زمان تولد است . در این مرحله اعضای مختلف بدن با نسبتهای متفاوتی شروع به رشد می کند . دستگاه عصبی مرکزی رشد سریعی دارد، اما تا چند ماه بعد از تولد تکمیل نمی شود . از اواخر هفته دوم، غدد تناسلی (تخمدان ها و بیضه ها) به صورت یک زوج نقاط برجسته در هر دو جنس شروع به رشد می کند . به نظر می رسد هورمون هایی که به وسیله بیضه ها تولید می شود، برای رشد سیستم تولیدی در مردان ضروری است، زیرا اگر بیضه ها برداشته شود یا به خوبی عمل نکند، نوزاد در هنگام تولد دارای سیستم تولیدی ماده نخواهد بود . اماآزمایش هایی که روی خرگوش به عمل آمده نشان می دهد که چنانچه تخمدان ها بلافاصله پس از تشکیل برداشته شوند، جنین ماده به رشد طبیعی خود ادامه می دهد. در پایان هفته دوازدهم، جنین در حدود ۲۳ گرم وزن دارد و طول بدنش تقریباً هشت سانتی متر است . اگرچه اندازه سر نسبت به بدن بزرگتر است، ولی جنین در این هنگام به انسان شباهت دارد . عضلات به خوبی در حال رشد است و حرکات دست و پا تقریباً مشخص است . پلک چشمان و ناخنها شکل می گیرند و نوع جنس جنین به آسانی قابل تشخیص است. در هفته شانزدهم، جنین حدود ۱۱سانتی متر طول دارد و ازهفته ۱۶ تا ۲۰ طول جنین حدود ۲۶ سانتی متر و وزن آن حدود ۳۰۰ گرم می شود . دهان قادر به باز و بسته شدن است و جنین می تواند انگشت خود را بمکد و اگرچه پلکها بسته اند، می تواندآنها را تکان دهد ؛ همچنین می تواند دستها را باز و بسته کند . بعد از هفته بیستم، پوست بدن شکل می گیرد مو و ناخنها ظاهر میشود و غدد عرق رشد می کند . در هفته بیست و چهارم، چشمها کاملاً شکل گرفته، جوانه های چشایی روی

---

۱ سیف، سوسن ،روانشناسی رشد ۱، ص ۱۸۳

زبان ظاهر می گردد . چنانچه در این هنگام جنین به طور نارس متولد شود، قادر به تنفس است و صدای ضعیفی از آن شنیده می شود. هفته بیست و هشتم از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا اگر جنین در این زمان، یعنی در هفت ماهگی متولد شود، احتمال زنده ماندنش زیاد است. در واقع هفته بیست و هشتم مرزی بین زنده ماندن و مردن است . البته جنینی که در هفت ماهگی متولد می شود به مراقبتهای مخصوص نیاز دارد . بررسی های تجربی نشان می دهد که در این سن طعم های شیرین، شور، ترش، تلخ و همچنین بوهای اصلی را تشخیص می دهد. از طرف دیگر به نظر می رسد در کودکان زود رس حساسیت نسبت به درد کم بوده، یا وجود نداشته باشد.سه ماه آخر یا دوره ۲۸ تا ۳۷ هفتگی دوره رشد اساسی ساختمان بدن و اعمال آن محسوب می شود که طی آن وزن بدن و طول قد افزایش سریعی دارد . در هفت ماهگی وزن کودکی که هنوز متولد نشده در حدود ۲ کیلو گرم و طول قدش ۴۰ سانتی متر است. در هشت ماهگی وزن بدن به دو و نیم کیلو گرم و طول قد به ۴۵ سانتی متر می رسد . رشد زیاد سه ماهه آخر در اثر لایه های چربی زیر پوست است که پس از تولد نوزاد نیز به مقاومت او در برابر تغییرات درجه حرارت محیط کمک می کند.ماندن بیشتر جنین در رحم مادر، احتمال زنده ماندن و رشد طبیعی را در عضلات، مکیدن، اگاهی ذهنی و ادراکی و رشد حرکتی را افزایش می دهد . امکان زنده ماندن و رشد طبیعی جنینی که وزن او به یک و شش دهم کیلو گرم رسیده است بعد از تولد افزایش می یابد . کودکی که هنگام تولد حداقل دو و سه دهم کیلو گرم وزن دارد نیازی به نگهداری در محل های مخصوص و مراقبت های ویژه ندارد.»[1] «با شروع ماه نهم، کودکی که در حال بی وزنی در میان آمینیوتیک غوطه ور بود با افزایش رشد بدن به صورت یک گلابی وارونه در می آید و حرکت در داخل کیسه آمینیتیک مشکل می گردد به این علت اکثر نوزادان ابتدا با سر متولد می شوند زیرا این شیوه راحت ترین و مطمئن ترین نوع وضع حمل است . تعداد کمی از نوزادان نیز ابتدا با پاها یا به حالت صلیبی متولد می گردند، که تولد آنان نیاز به سزارین دارد. «به طور کلی طول قد یک نوزاد کاملاً طبیعی ۵۰

۱سیف، سوسن ،روانشناسی رشد ۱، ص ۱۸۴

تا ۵۵ سانتی متر و وزن آن سه کیلو گرم است ولی طول قد و وزن کمتر و بیشتر از این نیز طبیعی است.»[۱]

بخش سوم: مراحل رشد بعد از تولد و روش تربیت کودک در هر مرحله

بند اول: رشد از سه تا هفت سالگی

رشد جسمی: «با این که رشد جسمی کودک در این دوره به سرعت دو سال اول نیست، ولی سرعت فراوانی دارد. یک پسر متوسط در سه سالگی حدود ۱۵ کیلو وزن و ۹۵ سانتی متر قد دارد . دختران سه ساله در این سن کمی سبک تر و کوتاهتر از پسران هستند.رشد جمجمه در این دوره، از رشد سایر اعضای بدن کند تر است و به این ترتیب تناسب سر و تنه به نسبت های بزرگ سالی نزدیک می شود، ولی در پایان این دوره حجم مغز تقریباً به اندازه حجم مغز افراد بالغ است، یعنی در پنج سالگی مغز کودک حدود ۷۵ درصد و وزن بزرگسالی و در شش سالگی نزدیک به ۹۰درصد است. در این دوره رشد استخوان ها ادامه می یابد و حرکات بدنی بر خلاف دوسال اول با مهارت انجام می شود. نسوج غضروفی به تدریج استخوانی می شود و در اندازه، تعداد و سختی استخوان ها، تغییرات مهمی به وجود می آید و شکم برآمدگی نشان می دهد، ولی در حدود شش سالگی تناسب اندام به اندازهای بزرگسالی شبیه تر می شود. ماهیچه های بزرگ کودکان در این سن از ماهیچه های دست ها و انگشت های آنها رشد یافته تر است؛ بنابر این ممکن است کودکان در کارهایی مانند : بستن دکمه لباس و بند کفش و فعالیت هایی از این قبیل، مهارت چندانی نداشته باشند. از این رو کودکان این گروه سنی را نباید به کارهای ظریف و دقیق وا داشت . وسایلی مانند مداد رنگی، و قلم مو برای آبرنگ زدن و سایر وسایلی که کودکان از آنها استفاده می کنند، باید در اندازه بزرگ تهیه شود و کار کردن با اشیاء کوچک را باید به حداقل ممکن کاهش داد چون هماهنگی چشم و دست هنوز کامل نشده است. رشد دستگاه عصبی عضلانی کودک، زمینه را برای مهارت های بیشتر حرکتی فراهم می کند.در

---

۱ همان، ص ۱۸۵

حدود سه سالگی، حرکات عضلانی نا مطمئن دو سال اول به تدریج از بین می رود و کودک به حرکاتی مطمئن دست می یابد ؛ به طوری که با سهولت و سرعت می دود و بدون کمک دیگران از پله ها بالا می رود. در حدود سه سالگی می تواند مدتی سه چرخه سواری کند و چون از توانایی های خود لذت می برد، در تمرین و تکرار هرچه بیشتر این مهارتها تلاش می کند. در این دوره تنفس و ضربان قلب منظم می شود. نفس ها عمیق و آرام است و خون به مرور افزایش می یابد . با توجه به تمام این ویژگی ها کودک در سنین پیش از دبستان، امکان فعالیت و جنب جوش بیشتری پیدا می کند.رشد جسمی سریع، کودک را برای تجربه و یادگیری بیشتر آماده می کند و به تدریج که بزرگ تر به شبکه پیچیده تری از تجارب دست می یابد؛ از حواس خود هرچه بیشتر استفاده می کند و با کمک راه رفتن با محیطی گسترده و متنوع روبه رو می شود. بر خلاف دو سال اول زندگی در این دوره رفتار کودک کمتر قابل پیش بینی است. زیرا از این پس، تجارب محیطی و تآثیری که این تجارب بر او می گذارد مسیر رشد کودک را تعین می کند.»[1]

بند دوم: رشد دندان ها و اهمیت دندانهای شیری

«دندان های شیری میان دو تا سه سالگی تکمیل می شود و کودک را در استفاده از غذای بزرگسالان هرچه بیشتریاری می دهد. اولین دندان دائمی که ان را [آسیای شش سالگی] می نامند در این دوره می روید و بعد از آن دندان های شیری به تدریج ریخته جای خود را به دندان های دائمی میدهد. معمولآ چنین تصور می شود که ناهنجاریها و بیماری های دندان و خصوصآ پس از درآمدن دندانهای دائمی پیدا می شود، در حالی که کیفیت تغذیه مادر در دوران بارداری وتغییرات رحم در این امر کاملآ موثر است. دندان های شیری از مهمترین عوامل تغذیه و در نتیجه از مهمترین عوامل رشد و نمو کودک در حساس ترین دوره زندگی اوست. کودکی دندانهای پوسیده و نا سالم دارد نمی تواند غذا را خوب بجود و در نتیجه دچار سوء هاضمه می شود. پوسیدگی و عفونت دندانهای شیری می

۱نقابی ، علی ، بررسی حقوق کودک وتربیت کودک از دیدگاه فقه وعلوم تربیتی ،ص ۷۸-۷۹

تواند عفونت و مشکلات دیگری را نیز در گوش و گلوی کودک ایجاد کند.میزان مقاومت به نوع تغذیه، وضع بدنی و حتی ویژگی های ارثی کودکان دارد؛ بنابراین لازم است از سن دو سالگی هر شش ماه یک بار، کودک را تحت معاینه و بیماری های دهان و دندان قرار داد.بعضی بزرگسالان تصور می کنند دندان های شیری موقتی است و نیازی به معالجه و پر کردن ندارد، درحالی که بی نظمی، پوسیدگی، لک شدن، عفونت یا افتادن زودتر یا دیر تر از موقع دندان های شیری و عدم درمان آنها، باعث بی نظمی هایی در رویش و دوام دندانهای دائمی خواهد داشت. گاهی جای دندان های افتاده به وسیله دندان های دیگر اشغال میشود و وسعت آنها کم می شود و باعث کج شدن دندانهای اطراف می شود. پوسیدگی دندان ها علاوه بر ایجاد اختلال در تغذیه و رشد کودک می تواند باعث عدم تعادل و سازش روانی کودک شود.»[1]

بند سوم: آموزش بهداشت دهان و دندان

«دوره های اولیه زندگی کودک نه تنها برای رشد او در ابعاد مختلف حساسیت به خصوصی دارد بلکه از نظر تشخیص عادتهای صحیح در کودکان نیز اهمیت دارد. آموزش بهداشت دهان و دندان، پایه گذار سلامت عمومی کودک است. گاهی گفته می شود با بیرون آمدن اولین دندان آسیا باید آموزش مسواک زدن شروع شود. ولی بعضی پایان دو سالگی را برای این آموزش پیشنهاد می کنند؛ یعنی زمانی که کودک از نظر عضلانی توان تقلید از حرکات والدین را پیدا می کند و علاقه مند است که کارهای آنها را انجام دهد. کودک در این سن با مشاهده مسواک کردن پدر و مادر و دیگران شروع به مسواک زدن می کند؛ البته در ابتدای امر، مهارت لازم را ندارد و باید به او کمک کرد. ولی به زودی تمام مسئولیت ها را شخصاً به عهده می گیرد. اگر کار به این ترتیب پیش رود مسواک کردن کودک تحمیلی و مشکل نخواهد بود. نکته مهمی در مورد کودکان باید بدانیم این است که کودکان بیشتر تحت تأثیر رفتار بزرگترها قرار می گیرند تا نصایح آنان. بنابراین اگر

---

۱ نقابی ، علی ، بررسی حقوق کودک وتربیت کودک از دیدگاه فقه وعلوم تربیتی ،ص ۷۹-۸۰

بزرگسالان علاقه مندند که رفتار خاصی در کودکان شکل گیرد لازم است خود آن را انجام دهند. اگر پدر و مادر علاقه دارند که کودکان انها به بهداشت دندانهای خود توجه کنند، باید از مراجعه به دندان پزشک و مسواک کردن مرتب دندان ها مضایقه نداشته باشند.»[۱]

بند چهارم: رشد گویایی

«رشد گویایی در دوره دوم کودکی بسیار سریع است. یک کودک سه ساله حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه، در چهارسالگی ۱۵۰۰ کلمه، درپنج سالگی حدود ۲۰۰۰ کلمه ودر شش سالگی ۲۵۰۰ کلمه می داندو می فهمد. اگر کودک به کودکستان برود، خزانه لغات او از این هم غنی تر می شود. به طور کلی کودکانی که امکان صحبت کردن با کودکان بزرگتر ازخود را داشته باشند یا بتوانند از رادیو یا تلویزیون استفاده کنند یا امکان بیشتری برای صحبت کردن با بزرگسالان را دارند، دامنه لغات وسیع تری پیدا می کنند.»[۲]

بند پنجم: الگوی رشد زبان

«در بیشتر کودکان یکسان و شامل مراحل زیر است:

الف)مرحله ابتدایی، تکلم در یکسال اول زندگی؛

ب) مرحله تکلم واقعی، از یک سالگی تا پنج سالگی ؛ در این مرحله کودک، کلمات را به عنوان نشانه ها به کار می گیرد؛ ولی وسعت رشد زبان در کودکان مختلف فرق می کند. همین طور بین رشد زبان و رشد ذهنی، جسمی واجتماعی کودک ارتباط نزدیکی وجود دارد. در نظریه پیاژه، خود مداری کودکان و در نتیجه آن، با خود سخن گفتن کودکان و یا حرف زدن گروهی آن بدون آنکه حرف های دیگران را بشنوند، از ویژگیهای بارزاین مرحله رشد است. یعنی کودکانه سه تاشش ساله علی رغم حضور در گروه، بدون توجه دیگران حرف می زنند و در واقع به حرف های دیگران گوش نمی دهند. پیاژه این ویژگی را ناشی از

---

۱ نقابی ، علی ، بررسی حقوق کودک وتربیت کودک از دیدگاه فقه وعلوم تربیتی ،ص ۸۰-۸۱

۲ همان ،ص۸۴

خود مداری کودک می داند. به هر حال با توجه به اینکه کودکان، از الگوی رشد گویایی مشخصی پیروی می کنند تفاوتهای فردی بسیاری نیز در بین آنان وجود دارد. کیفیت رشد زبان و وسعت آن در کودکان مختلف فرق می کند و شرایط مختلف و متنوعی در این تفاوتها دخالت دارند ولی این مسلم است که کودکانی که به آنها اجازه صحبت کردن داده میشود و می تواند به راحتی عقاید خود را بیان کنند، در یادگیری زبان پیشرفت بیشتری خواهند داشت.»[1]

بند ششم: عوامل موثر در رشد گویایی

«قبل ازورود هر عامل دیگر در رشد و تکلم کودک، مادر می تواند در رشد گویایی و گسترش آن تآثیر بسیار داشته باشند. مادر باید از تمام اوقاتی که با کودک است استفاده کندو با کودک حرف بزند، البته دلیلی ندارد که بزرگسال با کودک به زبان کودکانه صحبت کنند. فراهم کردن موقعیت هایی که کودک بتواند با کودکان دیگر بازی کندوارتباط برقرارکنددررشد گویایی او بسیار موثر است. در کودکستان و مهد کودک این موقعیت ها به خوبی فراهم میشود. کودک در گروه احساس می کند برای بازی کردن و ایجاد ارتباط با دیگران و برآوردن خواسته ها و نیازهایش به زبان احتیاج دارد. سوالاتی برایش مطرح می شود که دوست دارد از کودکان بپرسد. همین احساس نیاز به صحبت کردن، او را تشویق می کند تا از لغات جدید در مکالمات خود استفاده کند.کودک در این سال ها دلباخته داستان و قصه است. اگر قصه ای برای او چندین بار تکرار شود بازهم با کمال علاقه به او گوش می دهد و از آن لذت می برد. دلبستگی و توجه کودک به قصه چنان است که اگر هنگام بازگویی کوچک ترین تغییری در داستان داده شود، فوراً متوجه می شود و آن را تصحیح می کند. اطلاعاتی که در مورد رشد کودک داریم، باید ما را برای انتخاب داستان های هماهنگ و متناسب با سن کودک یاری دهد. اگرچه کودکان از داستانهای ماجراجویانه و هیجان انگیز لذت می برند، این نکته را نباید از نظر دور داشت که ایجاد ترس در کودکان

---

۱ همان ،ص۸۴-۸۵

خطرناک است و بازگویی داستانهای ترسناک و وحشت آور مشکلاتی را برای کودکان به وجود می آورد. کودک برای درک دنیای خود به کمک بزرگتر احتیاج دارد و این کمک باید طوری باشد که موجب گیجی و سر در گمی او نشود.

در انتخاب کتاب برای کودکان و رعایت نکات زیر ضروری است:

۱ . کتاب ها باید طوری انتخاب شوند که متناسب با رشد کودک باشند.

۲ . تا زمانی که کودکان محیط را به خوبی نشناخته اند و شدنی را از نا شدنی تشخیص نداده اند نباید عوامل ترسناک را وارد کتابها و قصه های آنها کرد.

۳ . کتابهای کودکان کودکستانی، باید هم در مورد موضوعات آشنا و روزمره باشد و هم بسیارساده، صحیح، واضح و با رنگهای مشخص تهیه شود.

بسیاری از کتابهایی که برای کودکان تهیه می شود یا ظاهر قابل توجهی ندارد یا محتوای آن مورد علاقه آنها نیست. چنین کتابهایی نه تنها موجبات رشد گویایی کودکان را فراهم نمی آورد، بلکه موجب بیزاری بعدی آنها از کتاب نیز می شود.از آن چه که که مورد انتخاب قصه های مناسب برای کودکان گفته شد، نباید نتیجه گرفت که درداستانهای کودکان هیچ گونه هیجانی لازم نیست وبرای آنها نباید جای شکی باقی گذاشت؛بلکه منظور این است که عوامل ترس آورکه در سنین خاص ممکن است موجب اختلال درکودکان شود یا ازآن ها موجوداتی ترسو که از برخورد با هر وضعیت تازه و ناشناخته وحشت می کنند بسازد، باید از داستان های کودکان حذف شود.»[۱]

«با رشد قوه تخیل کودک علاقه او به قصه های تخیلی و گاه جعلی افزایش می یابد. کودکان در این مرحله به خلق داستانهای عجیب و غریب می پردازند وگاهی قسمت عمده وقت خود را صرف بیان ماجراهای خیالی می کنند. این قبیل داستانها در رشد قوه تخیل کودک تأثیر بسیاری دارد و نباید در استفاده از آن برای کودکان تردید داشت. آمادگی

۱ نقابی ، علی ، بررسی حقوق کودک وتربیت کودک از دیدگاه فقه وعلوم تربیتی،ص۸۵-۸۶

کودکان برای شنیدن قصه های تخیلی بستگی به رشد عاطفی آنها دارد، ولی بعضی از کودکان در این زمینه افرلط می کنند. در این گونه مواقع آشنا کردن کودکان با داستانهای واقعی نیز لازم است. نحوه ارائه کتاب برای کودکان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قصه و داستان باید آرام برای کودک بیان شود تا در درک آن دچار مشکل نشود . هنگام قصه خوانی برای کودکان باید توجه داشت که کودکان هنوز در اوایل یادگیری هستند و سرعت ادراک آنها از کلمات و جملات به مراتب ضعیف تراز بزرگسالان است و به علاوه خزانه لغات آن ها نیز دامنه گسترده ای ندارد . بنابران مطالب باید به نحوی ارائه شود که کودک قادر به درک آنها باشد.»[۱] از نظر اسلام رشد کودک را پس از تولد به سه مرحله عمده تقسیم نمودند که این تقسیم بنا به فرموده پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله): «الولد سیدٌ سبع سنین و عبدٌ سبع سنین و وزیرٌ سبع سنین».[۲]

فرزندهفت سال اول سید و آقاست.در هفت سال دوم مطیع و فرمانبرودرهفت سال سوم وزیرومسئول است.

بعضی از متخصصان رشد هم مراحل پس از تولد را به صورت ذیل تقسیم‌بندی نموده‌اند:

«طفولیت : از تولد تا ۱ سالگی

نوپایی : از ۱ سالگی تا ۳ سالگی

پیش‌دبستانی: از ۳ سالگی تا ۶ سالگی

کودکی: از ۶ سالگی تا ۱۲ سالگی

نوجوانی: از ۱۲ سالگی تا ۲۰ سالگی

بزرگسالی: از ۲۰ تا ۴۰ سالگی

---

۱ سیف، سوسن ، روانشناسی رشد۱ ، ص۲۵۶.

۲ . طبرسی ، رضی الدین ابی نصر الحسن بن فضل ، مکارم الاخلاق، ص۱۵.

میانسالی: از ۴۰ تا ۶۵ سالگی

سالمندی: از ۶۵ سالگی به بالا. (شافر، ۱۹۹۴)»[۱]

«بنابراین می‌توان دوره رشد را به سه مرحله سیادت، اطاعت و وزارت تقسیم نمود، که این سه مرحله خود منطبق با دوران کودکی، نوجوانی و جوانی است. اگر کودکی دورهٔ سیادت و آقایی را به معنای واقعی کلمه و با آزادی و بهره‌وری از خواسته‌هایش سپری کند، به سادگی به دورهٔ اطاعت خواهد رسید و همواره مطیع و فرمانبر مربیان و والدین خواهد شد و نیز اگر این دوران را عاقلانه طی کند به وزارت و معاونت در محیط خانواده دست خواهد یافت.»[۲] لذا امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین و الزمهُ نفسک سبع سنین فان اَفْلَحَ والّا فلا خیرفیه».[۳] فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند و هفت سال با آداب و روش‌های مفید او را تربیت کن و هفت سال همراه و ملازمش باش. اگر رستگار شد که شد والّا خیری در او نیست. در جائی دیگر می‌فرمایند: «الغلام یَلْعَبُ سبع سنین و یتعلّم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال والحرام سبع سنین.»[۴] کودک هفت سال بازی کند و هفت سال نوشتن را فرا گیرد و هفت سال چیزهای حلال و حرام را بیاموزد.این روایات به صراحت بیان کننده مطالب ذیل است:

۱- بهترین و مناسب‌ترین دوران برای رشد و تربیت کودک تا سن ۲۱ سالگی است.

۲- هر سنی مقتضای خاصی است که کودک باید آن تعلیمات را آموزش ببیند.

---

۱ . ناعمی، علی محمد ، روانشناسی نوجوانی و جوانی، ص۲۰.

۲ . فرهادیان، رضا ، آنچه والدین و مربیان باید بدانند،۱۳۷۰، قم ، رئوف، ص۸ .

۳ . حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسایل الشیعه، ج۱۵، ص۱۹۴.

۴ . همان منبع.

۳- این تعلیمات متناسب با رشد جسمی و عقلی کودک می‌باشد، بطورمثال هفت سال زندگی کودک، زمان آموزش مطالب ثقیل و سنگین نیست، بلکه دوران بازی و سرگرمی اوست که باید در چهارچوب این بازی‌ها، کودک آموزش ببیند.

۴- این مراحل باید به ترتیب طی شود و مقدم و مؤخر کردن آن جایز نیست.

۵- اگر کودک در دوران اول و دوم (هفت سال اول و دوم) درست تربیت شود در دوران سوم و بعد از آن فردی متعادل و نرمال بار می‌آید و اگر از این دوران گذشت تربیت او با مشکلات فراوانی روبروست و احیاناً بی‌نتیجه خواهد بود. بحث ما هم در این قسمت پیرامون هفت سال اول و دوم زندگی است.

بخش چهارم: دوران کودکی

«دوران کودکی در زندگی انسان از اهمیتی ویژه برخوردار است. در این دوره می‌توان بنای یک زندگی سالم و سعادتمند را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. در گذشته به اهمیت و نقش این دوران در سرنوشت انسان اهمیتی داده نمی‌شد و پدران و مادران غالباً با بی‌توجهی و روش‌های خشونت‌آمیز با کودک رفتار می‌کردند و تنبیه بدنی را بهترین وسیله برای تربیت وی می‌دانستند. اما بررسی‌های علماء در قرون اخیر نشان داد که دوران کودکی نسبت به دوره‌های دیگر زندگی، نقش زیربنایی دارد.»[۱] و پس از سالها باید روش و سنت ائمه معصومین را سرلوحهٔ زندگی قرار دهیم و به احادیث آنها توجه ویژه‌ای داشته باشیم. بنابراین اگر خانواده با اصول و روش‌های صحیح تربیت آشنا باشند و آنها را به طور صحیح به کار گیرند، در دوره‌های بعدی با مشکلات کمتری روبرو خواهند شد و اولین گام در تربیت صحیح و جدی کودکان با آموزش خانواده‌ها و آشنا ساختن آنها باربیتی شروع می‌شود و همین مسئله ضامن سعادت فردی و اجتماعی افراد جامعه می‌باشسال های اولیه عمر هر فرد بدون شک از مهمترین و مؤثرترین دوران زندگی او بشمار می‌رود و سالهای شکل گیری شخصیت او است بخصوص نخستین

۱ . سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، ۱۳۷۳، تهران ف انجمن اولیاومربیان ، ج۲، ص۱۳.

سال زندگی. «فردی که نوزاد را برای فراگرفتن تمام چیزهایی که در دور و بر او می‌گذرد آماده می‌کند و مانند لوح سفید و بی‌نقش است کم‌کم برای پذیرش نقش آماده می‌شود و با ابزار و وسایلی که خداوند متعال در اختیار او قرار داده. شروع به کسب اطلاعات درست و غلط از اطرافیان، مربیان و محیط خود می‌کند.»[۱] هفت سال اول زندگی دوره‌ای است که در آن کودک از آموزش جدی و رسمی معاف است. در این دوره از آزادی عمل بیشتری برخوردار است و نباید تکلیف منظم و شاقی را بر وی تحمیل کرد. از این رو گفته می‌شود که کودک در این دوره تکلیف‌پذیر نیست. «زمانی که مشکلات رفتاری و اجتماعی جوانان و بزرگسالان مورد تجزیه و تحلیل دقیق علمی قرار می‌گیرد این مسئله روشن می‌گردد که کمبود توجه و محبت و مراقبتهای پرورشی اولیاء و والدین در نخستین سالهای زندگی کودک است که بعدها منجر به عدم سازش و انطباق او با محیط و همچنین بوجود آمدن انحرافات اخلاقی و اجتماعی دیگر می‌شود. و اساسی‌ترین مسئله در بهداشت روانی در دوران هفت سال اول زندگی کودک مسئله آزادی و رشد و آزادی در تجربه است.»[۲] بنابراین در این دوران که دوران سیادت و آقایی کودک است کودک باید بِدَوَد، بازی کند، به کنجکاوی و تجربه بپردازد و روح لطیفش از محبتها و استقبال و پذیرایی گرم اطرافیان سیراب شود. «بعضی از والدین بر این تصور هستند که کودک باید در این سنین به تمام حرفها و امر و نهی‌های آنان گوش فرا داده و مطیع محض آنان بشود. آنان بچه‌ای را خوب می‌دانند که تنها حرف شنوا باشد. هیچ کاری نکند. از جای خود تکان نخورد، کنجکاوی نکند و تنها در گوشه‌ای ساکت بنشیند و مزاحم اطرافیان خود نشود. غافل از اینکه اسلام این دوران را دوران سیادت و آقایی کودک و امر و نهی به والدین می‌داند».[۳]

---

۱ . همان، راهنمای پدران و مادران، ۱۳۷۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ،ج۲، ص ۵۵.

۲ . فرهادیان، رضا ، آنچه والدین و مربیان باید بدانند، ص ۱۱۲ و ۱۱۱.

۳ فرهادیان ،رضا ، آنچه والدین ومربیان باید بدانند ، ص۱۴-۱۵.

بند اول: شکوفایی استعدادهای نهفته در کودک

«طفلی که در محیط آرام، آزادانه زندگی می‌کند و خواسته‌های طبیعی و منطقی او برآورده می‌شود بطور طبیعی ذهنش آماده می‌شود تا آنچه در توان دارد بروز دهد و آشکار سازد زیرا مانعی برای ابراز وجود و اظهار خواسته‌های خود نمی‌بیند و بدینوسیله استعدادهای نهفته‌اش را بروز می‌دهد.»[۱]

بند دوم: مهیا شدن کودک برای دوران اطاعت

«ارتباط دوستانه والدین یا کودک و محبت به او سبب می‌شود که در سنین نوجوانی و جوانی به دستورات و راهنمایی‌های آنان توجه کند و به نصایح معقولانه آنان گوش فرا دهد و این شنوائی را با نشاط و شادابی وافر خود همراه کند.»[۲]

بند سوم: اعتماد کودک به پدر و مادر

«در دوران کودکی، اگر کودک احساس کند که هرچه می‌خواهد، پدرومادر در اختیار وی قرار می‌دهند (البته باید توجه کنند که خواسته‌های کودک منطقی باشد) و یا هرچه می‌گوید به حرف او گوش می‌دهند و منطقی با او برخورد می‌کنند به پدر و مادر اعتماد می‌کند و آنان را یار و یاور و نقطه اتکاء خود در زندگی می‌شمارد و نسبت به آنان احساس امنیت و محبت می‌کند و این مسئله در آینده او اثر بسزائی داشته و او را در برابر مشکلات اجتماعی واکسینه می‌کند.»[۳]

---

۱ همان ،ص۱۵

۲ همان

۳ همان،ص۱۶

بند چهارم: آرامش روحی و روانی کودک در دوران‌های بعدی

«اصولاً پایه آرامش‌های دوران بعدی کودک در گروه بهره‌گیری و غنای وی از آزادی و تجربه دوران سیادت است.آرامش و بردباری در جوانی مرهون فعالیتها و جست‌وخیزهای دوران کودکی است»[۱] درهمین مورد رسول اکرم (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرمایند:

«یَسْتَحِبُ عرامَهُ الغلامِ فی صِغره لیکون حلیماً فی کبره»[۲]

بند پنجم: ایجاد روحیه اعتماد به نفس و پرورش شخصیتی مستقل

«آنچه که روحیه اعتماد به نفس کودک را در این دوران حفظ می‌کند و آن را بارور می‌سازد آزادی و تجربه است.چون طفل در این سنین خود به سادگی تجربه می‌کند و می‌آزماید و در عمل به نتایجی عینی می‌رسد که برایش یقین‌آور است. حال هر قدر محیط قوی‌تر باشد برای کسب تجربیات بیشتر و ارزیابی و شناخت دقیقتر، آمادگی بیشتری پیدا می‌کند و به سبب آن روحیه اعتماد به نفس و اتکاء به نفس خویشتن و استقلال در وی قویتر می‌شود. چه خوب است کودک در خردسالی پرتحرک و پرجنب‌وجوش باشد تا در بزرگسالی آرام و خویشتن‌دار باشد.»[۳] علامه مجلسی (ره) «عرامه را به شیطنت، بداخلاقی، حرص شدید کودک به بازی و فرار از مدرسه تفسیر کرده‌اند.»[۴] بنابراین نتیجه می‌گیریم که والدین باید سعی کنند که محیط آرام و سرشار از محبت و امنیت را برای کودک خود ایجاد کنند تا بهداشت و سلامت روانی کودک را فراهم آورند. حال اگر کودک در محیط خانه مرتباً در مقابل رگبار بکن‌و نکن‌ها، برو و نروها، پرخاش و ناسزا و احتمالاً ضرب و شتم قرار گیرد دیگر مجالی برای رشد و نمو استعدادهای نهفته‌اش باقی نمی‌ماند. و به تجربه ثابت

---

۱ فرهادیان ،رضا ع آنچه والدین ومربیان باید بدانند ،ص۱۶

۲ .حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسایل الشیعه، ج۱۵، ص۱۹۸.

۳ فرهادیان ،رضا ع آنچه والدین ومربیان باید بدانند ،۱۷

۴ . مجلسی ، محمد باقر ، بحارالانوار، ج۱۴، ص۳۷۸.

شده که بچه‌هایی که دچار ناسازگاری رفتاری و یا انزوای شدید هستید به دلیل سرکوب شدن خواسته‌های بحق و منطقی آنان در دوران کودکیشان بوده است. بنابراین تمام موارد تربیتی کودک را فقط با سیادت او باید به مرحله اجرا گذاشت. در هفت سال دوم زندگی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در جسم و روان کودک پدید می‌آید. جسمش به نسبت دوران کودکی قوی‌تر شده، ذهنش رشد یافته و درک آن از مسائل عمیق‌تر شده است. خوبیها و بدی‌ها را تا حدودی می‌فهمد و به همین جهت مورد بازخواست و سؤال اولیاء و مربیان واقع می‌شود. اما چون عقلش کاملاً شکفته نشده صلاح خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد. این دوره، دوره تعلیم و تربیت کودک است و به همین جهت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله) از کودک در این دوره با خصوصیت «عبد» که بیان کننده اطاعت است یاد فرموده‌اند و حضرت علی (علیه‌السلام) او را «خادم» که آن هم بیان فرمانبری است معرفی کرده‌اند. در روایت دیگری از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله) این دوره سنی را سن «تأدیب» یعنی تربیت و ادب‌آموزی نامیده‌اند. و امام صادق (علیه‌السلام) نیز در حدیثی این دوره را دوره تعلیم یا علم‌آموزی و آموزش نامگذاری کرده‌اند. از این تعبیرات چنین برمی‌آید که اولاً طفل در این دوره انعطاف و پذیرش بیشتری برای تربیت دارد. ثانیاً آموزش رسمی کودک از این مرحله آغاز می‌شود. بنابراین، «این دوران طلایی را که بهترین فرصت برای تعلیم و تربیت کودک است نباید به سادگی از دست داد.»[1] اگر تربیت فکری، عاطفی و اخلاقی کودک در این مرحله به درستی انجام نگیرد او در دوران نوجوانی با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد، که حل آن چندان آسان نباشد، آدابی که در این دوره باید توسط مربیان در مدرسه و پدر و مادر در خانه بطور هماهنگ آموزش داده شود به تدریج در طول این هفت سال در وجود و شخصیت نوجوان جایگزین گردیده و در تکوین اساس شخصیت آینده‌اش نقش مهمی دارد.

---

۱ . سادات، محمدعلی ،راهنمای پدران و مادران، ج۲، ص۶۷.

نتیجه‌گیری

بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی، جسمی کودک از طریق والدین به او به ارث می‌رسد، از نظر اسلام تربیت کودک از همان لحظه آمیزش و تشکیل سلول تخم شروع می‌شود و به همین جهت اولین مسئله‌ای که در ازدواج باید مدنظر قرار گیرد مسئله اصالت خانوادگی در مورد زن و مرد است.منظور از اصالت یعنی نجابت، پاکی، تدیّن، اخلاق نیک، بزرگواری، حق‌پذیری و... است. کودکان قبل و بعد از تولداز نظر فقهی دارای حقوقی نسبت به والدین می باشند که این حقوق برای والدین تکلیف است، پس والدین باید آنها را به مرحله اجرا در آورده تا اینکه حقی از کودکان ضایع نگردد. فرزندان ما از دختر و پسر امانت الهی در دست ما هستند، پس باید علاوه بر حفظ امانت او را رشد داده و به تعلیم و تربیت صحیح او همت گماریم. رسالت اصلی و هنر واقعی پدرومادر در تربیت فرزندان می باشد و بخش اعظم موفقیت در تربیت در گرو شیوه هایی است که برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ و به کار بسته می شود، پس خطیر ترین و دشوارترین مرحله تربیت، تعیین وتشخیص روش تربیتی واستفاده و بکارگیری صحیح و موثر آن است تشویق و تنبیه، ازجمله روشهای تربیتی اند، اما کمیت وکیفیت به کار گیری آنها بسیار مهم است. کودکان به خاطر فقدان ارکان مسئولیت کیفری از جمله عقل، شعور، ادراک، اراده، اختیار وتقصیرو قصد مجازات نمی شوند تا اینکه به سن بلوغ برسند آنگاه حکمی همه جانبه و قابل انعطاف برایش در نظر گرفته شده و اجرا می گردد .

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

۳. احدی‌و بنی‌جمال، حسن و شکوه‌سادات، ۱۳۸۷، روانشناسی رشد، تهران، جیحون

۴. امامی، سیدحسن، ۱۳۷۲، حقوق مدنی، تهران، کتابفروش اسلامیه .

۵. امینی، ابراهیم، ۱۳۶۸، آئین تربیت، قم، انتشارات اسلامی .

۶. امینی، ابراهیم، ۱۳۷۲، اسلام و تعلیم وتربیت، جلداول ودوم، تهران، انجمن اولیاء ومربیان .

۷. انصاری، قدرت‌الله، ۱۳۸۵، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزاء، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۳، کتاب الصوم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵ق، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۱۰. ایوبی فر، فاطمه، قانون مجازات اسلامی جدید، انتشارات ایوبی فر، ۱۳۹۲

۱۱. باصری، علی اکبر، ۱۳۸۷، سیاست جنایی و قضایی کودکان، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

۱۲. بندرریگی، محمد، ۱۳۶۲، منجدالطلاب، تهران، اسلامی .

۱۳. بی آزارشیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۳، رساله نوین، تهران، دفترنشرفرهنگ اسلامی .

۱۴. پاک نبا، عبدالکریم، ۱۳۸۲، حقوق متقابل والدین وفرزندان، قم، کمال الملک

۱۵. تبریزی، جواد بن علی، ۱۴۱۷ق، أسس الحدود و التعزیرات، قم: دفتر مؤلف.

۱۶. جعفری، لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، صفحه ۳۳۴

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، مفاتیح الحیاه، قم، اسراء .

۱۸. شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۲، بافرزندچگونه رفتارکنیم، تهران، جهاددانشگاهی .

۱۹. شریعتمداری، علی، ۱۳۸۶، اصول وفلسفه تعلیم وتربیت،، تهران، امیرکبیر .

۲۰. شفیع آبادی، عبدالله، ۱۳۷۴، راهنمایی ومشاوره کودک، تهران، مطهر .

۲۱. صدر، شهید، سید محمد،۱۴۲۰ق، ما وراء الفقه، بیروت: دار الأضواء للطباعه و النشر و التوزیع.

۲۲. صفایی وهمکاران، سیدحسین، ۱۳۷۶، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران

۲۳. صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوان، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۸۶

۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن کریم، قم، انتشارات راه حق .

۲۵. مصطفوی، حسن،۱۳۷۱، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، تعلیم وتربیت دراسلام، قم، الزهرا .

۲۷. مظاهری، حسین، ۱۳۶۴، تربیت فرزند، قم، شفق .